

سال دوم

جلسه ۸۰

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۲۳ / ۱۲ / ۹۰ سه شنبه

اشکال اول

اینکه وجود بالذات لفظ، وجود بالعرض معنی است، مبتنی بر آن است که بگوییم :
وضع عبارت است از «جعل هوهویت»
در حالیکه : مبنای مرحوم اصفهانی، «جعل علامیت» است

ما می گوئیم

این اشکال وارد نیست
چراکه : ایشان که می گوید «وجود بالعرض معنی» مرادش آن است که :
آمدن لفظ به نوعی آمدن معنی است و این مبتنی بر «جعل هوهویت» نیست

اشکال دوم

طبق بیان مرحوم اصفهانی، انشاء منحصر به لفظ می شود
و مبنای ایشان تلاشی برای تحلیل انشاء هایی که در معاطات یا در امثال «حیازت» است، نداشته است

اللهم
الا ان يقال

مراد ایشان از انشاء :

تنها آن چیزهایی است که در ادبیات به عنوان «انشاء» شناخته می شوند
و ایشان در انشاء های دیگر، به گونه ای دیگر آن را تفسیر می کند.

طبق بیان ایشان، انشاء «ایجاد معنی بیع» (تملیک عین بعوض) است
سؤال : اگر پذیرفتیم که حدوث بیع به وسیله لفظ است، اما بقاء ملکیت کجاست؟

جواب : بقاء ملکیت در ذهن عقلاست

سؤال : ملکیتی که در ذهن عقلاء باقی است چگونه ایجاد شده است؟!

قطعاً لفظ نمی تواند علت موجد آن باشد.

پس :

ابتداء = معنای بیع (تملیک) در ذهن متکلم موجود می شود

بعد = آن معنی به وسیله لفظ به صورت بالعرض حادث می شود

بعد = آن معنی را عقلاء در ذهن خود به وسیله تصورات خودشان ایجاد می کنند

و در آخر = همان معنای ایجاد شده در اذهان عقلاء استمرار یافته و باقی می ماند

سوال اساسی درباره انشاء :

الف : در ذهن متکلم است (و لفظ از آن حکایت می کند)

= مبنای مرحوم خوئی و حائری

*

ب : آن ایجاد است که لفظ در عالم خارج نسبت به وجود بالعرض معنی دارد

= مبنای اصفهانی و تقریر دوم از مبنای امام

*

ج : ایجاد موضوع اعتبار عقلایی است (انشاء، ایجاد تکوینی موضوع اعتبار عقلایی است)

= مبنای مشهور، و تقریر اول از مبنای امام

احتمال آخری که مطرح کرده ایم از حیث ثبوتی ممکن است :

اما از آنجا که :

متفاهم عرفی آن است که در انشاء، لفظ دخالت دارد مبنای مرحوم خوئی کنار زده می شود.

از آنجا که :

متفاهم عرفی دیگر آن است که انشایی که در مثل «بعث» وجود دارد با انشایی که در مثل «حیازت»

موجود است، تفاوتی ندارند، مبنای مرحوم اصفهانی قابل قبول نیست.

تعریف نهایی :

«ایجاد الموضوع للإعتبار العقلایی سواءً كان الموضوع لفظاً ام غیر لفظ»

و إن شئت قلت : «الانشاء عبارة عن ایجاد تکوینی للسبب الاعتباری (موضوع) للإعتبار العقلائی سواء

كان السبب لفظاً ام غیر لفظ»

هیأت های انشائی مثل هیأت های خبری، مختلف هستند:

نوع اول: انشاء هوهویت

مثل «انت حرّ»؛ در این نوع، متکلم موضوع را مصداق اعتباری محمول قرار می دهد.

*

نوع دوم: انشاء اضافه و وجود رابط

مثل «من ردّ ضالّتی فله هذا الدینار»؛ در این جا متکلم، بین دینار و «پیدا کننده گمشده» ارتباط ایجاد

می کند.

*

نوع سوم: انشاء ماهیت اعتباری

مثل بیع و اجاره؛ در این نوع، متکلم اجاره را در مقابل چیزی پدید می آورد

(ماهیت اعتباری = اجاره / نسبت = نسبت بین پول و مستأجر و موجر و عین مستأجره)